



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

بررسی موانع تقنین جرم سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید منصور میر سعیدی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد باقر خرم شاد

دانشجو:

فائزه واعظ فخری

سال تحصیلی ۱۳۸۸

صلى الله عليه وسلم

به مهربانی مادرم

و با سپاس فراوان از

جناب آقای دکتر سید منصور میر سعیدی

و جناب آقای دکتر محمد باقر خرمشاد

چکیده

با شروع عصر روشنگری در اروپا و با این اعتقاد که مجرمین سیاسی به جهت داشتن اهداف عالی و وفاداری به اصول انسانی و در نهایت عصیانی ناشی از تقوی و شرافت با مجرمین عادی متفاوت میباشند تحول عمیقی در نگرش به مجرمین سیاسی پدید آمده که این نگرش، منجر به اعمال نوعی رژیم ارفاقی نسبت به این دسته از مجرمان گشته است. این رویکرد با قانون اساسی مشروطه وارد حوزه قانونی و حقوقی ایران شده که پس از انقلاب ۱۳۵۷ نیز با قرار گرفتن در اصل یکصد و شصت و هشت قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی، تبدیل به یکی از قواعد حقوقی کشورمان شده که متأسفانه با عدم تعریف ماهیت این جرایم توسط قانونگذار عادی، این قاعده تا کنون در عرصه عمل تجلی نیافته است که این خود میتواند مشکلات فراوانی را چه در حوزه داخلی و چه در سطح بین المللی به دنبال داشته باشد لذا در نوشتار حاضر با توجه به ویژگیهای خاص نظام جمهوری اسلامی اعم از نظام حقوقی و فقهی و سیاسی حاکم بر آن، به بررسی موانع تقنین این جرایم پرداخته خواهد شد.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
بیان موضوع	۱
سوالات و فرضیات	۴
سوابق و اهمیت تحقیق	۴
روش و ساختار کلی تحقیق	۵
بخش اول : تعریف و تاریخچه جرم سیاسی	۶
فصل اول : مفهوم و گستره جرایم سیاسی	۷
مبحث اول مفهوم و اوصاف جرم سیاسی	۹
گفتار اول ضوابط مورد اتفاق در شناسایی جرایم سیاسی	۹
گفتار دوم اوصاف جرم سیاسی	۱۲
مبحث دوم بررسی گستره جرایم سیاسی	۱۶
گفتار اول انواع جرم سیاسی	۱۷
گفتار دوم جرایم مشابه با جرم سیاسی	۱۸
فصل دوم: تاریخچه و سیر تحولات جرم سیاسی	۲۱
مبحث اول تاریخچه و سیر تحولات جرم سیاسی در جهان	۲۲
گفتار اول دوران قدیم	۲۲
گفتار دوم دوران جدید	۲۴
مبحث دوم تاریخچه و سیر تحولات جرم سیاسی در ایران پیش از انقلاب	۲۶

۲۶	گفتار اول ایران باستان تا تدوین نخستین قانون اساسی.....
۲۷	گفتار دوم جرم سیاسی در دوران قانون اساسی مشروطه.....
۳۰	جمع بندی مطالب
۳۱	بخش دوم: موانع حقوقی تقنین جرایم سیاسی در ایران
۳۲	فصل اول: تحولات جرم سیاسی در ایران پس از انقلاب
۳۴	مبحث اول سالهای نخستین شکل گیری جمهوری اسلامی ایران
۳۵	گفتار اول قوانین مربوط به “جرایم سیاسی قبل از انقلاب”
۳۸	گفتار دوم قوانین مربوط به “جرایم سیاسی” در دوران انقلاب
۳۹	مبحث دوم جرم سیاسی در سالهای پس از بحران های انقلاب
۳۹	گفتار اول تلاش قوه قضائیه و ارسال لایحه دولت به مجلس
۴۰	گفتار دوم تلاش مجلس در تهیه طرح جرایم سیاسی
۴۱	فصل دوم: موانع موجود در تقنین جرم سیاسی در سالهای اخیر.....
۴۳	مبحث اول روند شکل گیری لوایح و طرح مصوب و ایرادات وارد بر هر یک
۴۴	گفتار اول ایرادات وارد بر چگونگی شکل گیری لایحه جرم سیاسی
۴۷	گفتار دوم ایرادات وارد بر چگونگی شکل گیری طرح مصوب
۵۰	مبحث دوم ایرادات محتوایی در لوایح و طرح مصوب مجلس
۵۰	گفتار اول بررسی و نقد لوایح
۵۵	گفتار دوم بررسی و نقد طرح مصوب

۵۷	جمع بندی مطالب
۵۹	بخش سوم: موانع فقهی تقنین جرایم سیاسی در ایران
۶۰	فصل اول: بغی
۶۱	مبحث اول تعریف و شرایط تحقق بغی
۶۳	گفتار اول معنای اصطلاحی بغی
۶۵	گفتار دوم شرایط تحقق بغی
۶۷	مبحث دوم بررسی تطبیقی بغی و جرایم سیاسی
۶۸	گفتار اول اقسام بغی و تدابیر کیفری هر یک
۷۰	گفتار دوم بررسی بغی به عنوان مصداقی از جرم سیاسی
۷۵	فصل دوم: محاربه
۷۶	مبحث اول تعریف و شرایط تحقق محاربه
۷۷	گفتار اول تعریف محاربه
۷۹	گفتار دوم شرایط تحقق محاربه
۸۰	مبحث دوم بررسی تطبیقی محاربه و جرم سیاسی
۸۱	گفتار اول نوع و کیفیت مجازات محاربه
۸۴	گفتار دوم محاربه به عنوان مصداقی از جرم سیاسی
۸۸	جمع بندی مطالب

بخش چهارم: موانع حاصل از اندیشه سیاسی حاکم در تقنین جرایم سیاسی	۸۹
فصل اول: تبیین ماهیت حاکمیت در ایران	۹۰
مبحث اول استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران	۹۱
گفتار اول روند نام گذاری نظام سیاسی کشور پس از انقلاب اسلامی	۹۲
گفتار دوم بررسی پیشینه عنوان "جمهوری اسلامی"	۹۴
مبحث دوم بررسی عناوین جمهوری و اسلامی در ساختار سیاسی ایران	۹۵
گفتار اول تعریف جمهوری در نظام سیاسی ایران	۹۶
گفتار دوم تعریف اسلامی در نظام سیاسی ایران	۹۹
فصل دوم: بررسی تاثیرماهیت حاکمیت در عدم تقنین جرم سیاسی در ایران	۱۰۱
مبحث اول بازتاب عنوان جمهوری اسلامی در قانون اساسی ایران	۱۰۳
گفتار اول تجلی جمهوری بودن در قانون اساسی	۱۰۴
گفتار دوم تجلی اسلامی بودن در قانون اساسی	۱۰۸
مبحث دوم نظام جمهوری اسلامی و چرایی عدم تقنین جرایم سیاسی	۱۰۹
گفتار اول جمهوری ایران و عدم تقنین جرایم سیاسی	۱۱۰
گفتار دوم ایران اسلامی و عدم تقنین جرایم سیاسی	۱۱۱
جمع بندی مطالب	۱۱۵
نتیجه گیری و پیشنهادات	۱۱۶
فهرست منابع	۱۲۳

مقدمه

الف : بیان موضوع

قطعا تاریخ پیدایش قدرت به تاریخ پیدایش اجتماعات اولیه بشری و احتیاج این جوامع و اجتماعات به نظم و سازمان دهی درونی باز میگردد. زمانی که طبقه حاکم به عنوان جزو طبیعی و لاینفک اجتماع بشری متولد شد تا با فرامین خود (که با تولد قدرت حاکم عنوان قانون گرفته بود) ناظم و سازمان دهنده این گردهمایی انسانی و بالطبع ضامن بقای آن باشد^۱.

پس تولد قدرت حاکم در این روند اختراع سود انگارانه ی بشر بوده است و دولت فارغ از پرداختن به نظریه هایی که خاستگاه هایی متفاوت از ظهور آن را تبیین مینماید در معنای ساده قدرت حاکم، هم زمان با تولد اجتماعات بشری متولد شده و قوانین و مقررات را که به مثابه ی فرمان حکومت بوده اند به وجود آورده است و مسلما این قدرت در بدو پیدایش به سان نیرویی مشروع و مقدس در جوامع متجلی گشته نیرویی که وظیفه خطیر و شریف حفظ بقای بزرگترین خیر و مصلحت انسانی یا به عبارتی دولت -شهر های تازه متولد شده را بر دوش کشیده و در این راستا حمایت همه جانبه شهروندان خود را نیز می طلبیده است البته این تقدس مشروعیت دولت و قدرت تنها تا زمانی مطرح بوده است که در اعمال قوانین و فرامین خود وجود نیرویی برتر را به عنوان ملاک و معیار خود می پذیرفته، نیرویی طبیعی (مانند آنچه حقوق دانان روم گفته اند) الهی (سیسرون و بعد ها سنت اگوستین گفته است) و یا شاید هم کاملا عقلانی (نظریه های عصر روشنگری) که قانون طبیعت نامیده میشده است؛ قانونی که با اعمال حقوق طبیعی افراد از توتالیتار شدن دولتها جلوگیری مینموده است^۲. چرا که اینگونه دولتها مسلما نمی توانسته نتیجه خواست بشر از داشتن حکومتی ناظم و خدمتگزار باشند و لذا به تدریج در مقابل ملتها مشروعیت خویش را از دست داده و تنها به نیرویی مقتدر در جوامع بدل گشته اند و درست در همین نقطه از تاریخ دولتها میباشد که جرم و مجرم سیاسی معنا یافته است (اشخاصی که دولت را فاقد مشروعیت دانسته و یا خواستار تغییراتی در ساختار دولت میباشند). البته دولتها نیز از همان ابتدا در قبال این پدیده مجرمانه ساکت ننشسته و به

^۱ جان کلی ، تاریخ مختصر تنوری حقوقی در غرب ، مترجم محمد راسخ ، (تهران:انتشارات طرح نوین ، ۱۳۸۲) ، ص ۳۶۵

^۲ همان ، ص ۴۸۱

مبارزه ای هولناک و چه بسا وحشیانه با مرتکبین این دسته از جرایم برخاسته اند.^۳ مبارزه ای که در نهایت و در کنار پیروزی ظاهری که نصیب دولتها نموده از مبارزین این جرایم در مقابل این حکومتها قهرمانانی جاویدان ساخته است، قهرمانانی که حتی پس از مرگ خود نامشان برای حکومتها و قدرت ها همواره خطرناک شمرده میشده چرا که هر یک از این اسامی نشانی از اعتقاد به عدم مشروعیت دولت منظور در حافظه تاریخ بوده و هستند.^۴ اما به آهستگی و در راستای گسترش روزافزون افکار آزادی خواهانه در غرب که ثمره زحمات دانشمندانی همچون منتسکیو (با نوشتن کتاب روح القوانین) ولتر (کتاب زادیک) و ژان ژاک روسو (قرارداد اجتماعی) بوده است نگاه دولتها به مجرمین سیاسی و جرم سیاسی دگرگون شد^۵ چرا که اولاً این دسته از مجرمین بدلیل داشتن اهداف عالی، وفاداری به اصول انسانی و همچنین اعتقاد به فداکاری و در نهایت عصیان ناشی از شرافت و تقوی، با مجرمین عادی متفاوت بوده و این خصایص در آنها شایستگی بر خوردی توأم با رافت و احترام را نمودار میسازد و ثانیاً همانگونه که گیزو در کتاب معروف خود یعنی مجازات اعدام در جرایم سیاسی آورده است دولتها در آن سالها از دست شاه و خانواده شاهی خارج شده و در اختیار مردم قرار گرفته بودند و لذا دیگر از بین بردن عده ای از همان مردم به عنوان انقلابی و شورشی (در مقابل دولتی که از آن خود آنها بود) خالی از معنا و مفهوم بوده است.^۶ البته شایان ذکر است که اوضاع سیاسی کشورها پس از جنگ جهانی دوم به دلیل اعمال و رفتار آنارشیست ها و تروریستها متحول گشته و حتی افکار عمومی نسبت به مجرمین سیاسی تغییر یافت و در نتیجه عملاً در بسیاری از کشورها مجدداً برخوردی شدید با این دسته از مجرمین صورت پذیرفت اما این اوضاع دوام نداشته و در نهایت موجب تفکیک جرایم اجتماعی از جرایم سیاسی در کشور های مختلف شده من جمله قوانین جزایی فرانسه که در سالهای ۱۸۹۳ و ۱۸۹۴ میلادی برای جرایم اجتماعی مجازات های بسیار شدید در نظر گرفت)^۷ و لذا امروزه در بسیاری از کشورها رژیم ارفاقی نسبت به مجرمین سیاسی حاکم گشته و مجازات اعدام نیز برای آنها حذف گردیده است. همچنین اصل عدم استرداد مجرمین سیاسی به عنوان اصل مسلم در صحنه بین المللی و حقوق داخلی کشورها ظهور و بروز پیدا کرده است.

^۳ میشل فوکو، **مراقبت تنبیه تولد زندان**، مترجم نیکو سرخوش و افشین جهاننیده، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۱)، ص ۸۶

^۴ همان

^۵ غلامرضا پیوندی، **جرم سیاسی**، (نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲)، ص ۵۶

^۶ همان، ص ۵۸

^۷ همان، ص ۶۱

اما در ایران زمین اصطلاح جرم سیاسی از آغاز مشروطیت و با تاثیر از قوانین دیگر کشور ها که الگوی قانونگذاری در کشور ما محسوب میگردیدند وارد ادبیات حقوقی ما گشت البته جرم سیاسی علی رغم ورود آن به قلمرو اصطلاحات حقوقی، در آن زمان تعریف نشد و مصادیق آن نیز معین نگردید حتی در عمل نیز مجرمان سیاسی در دادگاه های نظامی محاکمه شده و به مجازات های سنگین هم محکوم میگردیدند^۸. و البته بطور اجمال میتوان اشاره کرد که این وضع نیز تغییری نداشته و هیچگاه وضع مجرمین سیاسی و مخالفین حکومت در ایران اصلاح نشد تا اینکه انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ با شعار استقلال و آزادی آغاز گردید شعاری که نهایتا منجر به تصویب اصل صد و شصت و هشتم قانون اساسی این نظام به عنوان طلیعه ای در اصلاح اوضاع نا بسامان مجرمین سیاسی در ایران گردید. در اصل ۱۶۸ آمده است :

«رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت میگیرد نحوه انتخاب شرایط و اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی تعیین میکند»

و همانطور که ملاحظه میگردد اصل مذکور، قانون گذار عادی را موظف نموده است تا تعریف و حدود و ثغور جرم سیاسی را بر اساس موازین اسلامی با تصویب قانون مشخص کند که البته متاسفانه تا کنون چنین امری تحقق پیدا نکرده است . هر چند در سالهای اخیر اقدامات جدی برای انجام این مهم صورت گرفته است اما به رغم تمامی این تلاش های صورت گرفته تا کنون این مهم تحقق پیدا نکرده است **واما دلایل امر چه بوده است؟**

چرا با وجود قانون اساسی و چه بسا تلاشهایی که در طی سالهای اخیر صورت پذیرفته انجام این امر، محقق نگشته است؟ بررسی این موضوع ، بسیار حائز اهمیت خواهد بود چرا که همانگونه که ذکر شد نه تنها در سطح داخلی به دلیل منتسب نمودن حوزه گسترده ای از جرایم خطرناک در سطح افکار عمومی به جرم سیاسی باعث تزلزل و تنزل جایگاه حکومتی خواهد گردید که چه بسا در سطح جهانی نیز باعث تیرگی چهره سیاسی کشور و قلمداد نمودن آن در زمره کشور های اقتدار گرا و چه بسا دیکتاتوری میگردد لذا نگارنده در این تحقیق عزمی جدی بر تدقیق در این مسئله نموده و امیدوار است که بتواند با بررسی همه جانبه ، تحقیقی قابل قبول را در این راستا ارائه نماید

^۸ همان ، ص ۶۷

ب : سوالات و فرضیات

۱: به لحاظ حقوقی کدام عامل مانع از تقنین جرم سیاسی در ایران است؟

۲: به لحاظ فقهی کدام عامل مانع از تقنین جرم سیاسی در ایران است؟

۳: به لحاظ اندیشه سیاسی کدام عامل مانع از تقنین جرم سیاسی در ایران است؟

اما با توجه به سوالات مطروحه سه فرضیه قابل طرح میباشد که عبارتند از:

۱: عدم اجماع کافی در روند حقوقی تهیه و تدوین این قوانین یکی از موانع موثر در عدم تقنین جرم سیاسی در ایران میباشد

۲: اختلاط برخی از مصادیق جرم سیاسی با برخی از عناوین مجرمانه فقهی یکی از موانع موثر در عدم تقنین جرم سیاسی در ایران میباشد

۳: شیوه حکومتی یا به عبارتی ایدئولوژی حاکمیت در ایران یکی از موانع موثر در عدم تقنین جرم سیاسی در ایران میباشد

ج: سوابق و اهمیت تحقیق

نگارنده با مطالعه و تحقیقی که در این راستا داشته دریافتی که با وجود کتب و مقالات بسیاری که در سالهای اخیر در زمینه جرم و مجرم سیاسی به نگارش در آمده است اما همچنان پرداختن به بررسی موانع موجود در راستای جرم انگاری جرم سیاسی در ایران مسئله ای نو و تازه خواهد بود چرا که عمده تحقیقات صورت پذیرفته یا پیرامون شناسایی عنوان جرم سیاسی و یافتن مصادیق آن بوده است و یا قیاسی در تعریف این جرم، با عناوین مطروحه در حقوق جزای اسلامی میباشد که البته این کتب بعلاوه پایان نامه های ارزشمندی که در این زمینه به رشته تحریر در آمده یاری گر نویسندگان در این تحقیق بوده اند اما پرداختن به موانع تقنین جرم سیاسی در ایران به عنوان موضوعی مستقل (و نه بی نیاز) از تعاریف صرف، تحقیقی خواهد بود که نگارنده برای نخستین بار بدان میپردازد و البته امید است که خداوند متعال نیز در این زمینه یاری گر باشد.

اما در مورد اهمیت تلاش حاضر میتوان گفت از آنجا که برای تقنین قانونی جامع، که تمام جوانب موضوع بحث را معین نماید و بتواند به احسن وجوه منویات اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تامین نماید نیاز اولیه به کارهای تحقیقی دقیق و گسترده در زمینه بررسی موانع تقنین جرم سیاسی از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون میباشد، لذا با انتخاب موضوع قصد بر آن بوده تا قدمی در این راستا برداشته شود.

د: روش و ساختار کلی تحقیق

روش تحقیق در رساله ی حاضر به شیوه ی کتابخانه ای و نوع تحقیق به گونه ی توصیفی - تحلیلی خواهد بود. ساختار کلی نیز از این قرار میباشد که رساله حاضر به چهار بخش اصلی تقسیم میگردد که در بخش نخست به طور مختصر به موضوعات مبنایی و توصیفی (کلیات) اعم از تعریف، بررسی گستره جرایم سیاسی و تاریخچه ای مختصر در جهان و ایران پیش از انقلاب پرداخته خواهد شد و پس از آن در سه بخش بعدی به تحلیل و تدقیق در هر یک از سوالات و فرضیات مطروحه می نشینیم تا انشاء الله بتوان پس از اتمام بخش های اصلی این نوشتار، در نتیجه گیری از مباحث، به نتیجه ای متقن و محکم از موانع تقنین جرم سیاسی در جمهوری اسلامی ایران دست یازیم.

بخش اول

تعریف و تاریخچه جرم سیاسی

لازم است تا پیش از آنکه به بررسی موانع تقنین جرم سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان موضوع اصلی نوشتار حاضر پرداخته شود، به مفهوم و تاریخچه این پدیده به عنوان مقدمه ای کوتاه بپردازیم بنابراین بخش نخست این نوشتار به مطالبی اختصاص داده شده که دراصل موضوع بحث نیستند ولیکن آگاهی از آنها جهت پیگیری و تدقیق در مباحث آتی بسیار مفید و موثر خواهد بود.

بخش حاضر شامل دو فصل میباشد که در فصل نخست به ضوابط، تعریف و ویژگیهای جرم سیاسی پرداخته خواهد شد و در فصل دوم نیز نگاهی هر چند اجمالی به تاریخچه و سیر تحولات این جرم در سایر کشورهای جهان و البته ایران پیش از انقلاب خواهیم داشت.

فصل اول

مفهوم و گستره جرایم سیاسی

تعریف جرم سیاسی و بیان این مطلب که این عنوان شامل کدام دسته از جرایم می‌گردد، مسئله‌ای است که از بدو پیدایش به شک و تردید برخورد و حقوقدانان را نیز با تشنگی آرا روبرو نموده تا بدانجا که برخی همچون اپنهام تعریف این دسته از جرایم را به واقع غیر ممکن می‌دانند^۹ از همین روست که در باب تعریف جرم سیاسی اکثر قانونگذاری‌های جزایی به میدان تعریف این جرم وارد نشده و ترجیح می‌دهند نسبت به آن سکوت کنند و یا در برخی کشورها قسمتی از جرایم را تحت عنوان جرم سیاسی ذکر کرده و گاهی نیز به طور غیر مستقیم بدون تعریف کردن با مشخص کردن مصادیق جرم سیاسی وضع مجرمان سیاسی را از نظر مجازات و طرز دادرسی تعیین می‌کنند. قابل ذکر است که کشورهایی مانند انگلستان و اسپانیا نیز اساساً جرم سیاسی را مورد توجه قرار نداده و در سیستم حقوقی خود اشاره‌ای به آن ننموده‌اند بلکه شرایط خاصی را برای مجرمان سیاسی باز شناخته‌اند تا اگر صلاح دانستند آن شرایط را بر برخی جرایم اعمال کنند^{۱۰} البته به عقیده یکی از نویسندگان برای یافتن تعریف جرم سیاسی در انگلستان باید در رویه‌های قضایی و تفسیرهای حقوقی این کشور جستجو نمود.^{۱۱}

اما در همین راستا برخی از مجامع بین‌المللی در جهت دستیابی به مفهومی مشترک از این جرم و چه بسا برای تشویق کشورها در شناسایی و تعریف این دسته از جرایم به تعریف آن پرداخته‌اند:

^۹ لواسور ژرژ، «مسئله جرم سیاسی در حقوق استرداد مجرمان» ترجمه مصطفی رحیمی، مجله کانون وکلا پائیز وزمستان ۶۹، صص ۱۵۲ - ۱۵۳

^{۱۰} سید محمد اصغری، بررسی تطبیقی جرم سیاسی همرا با دو قاعده درء و نفی حرج، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸)، ص ۳۳

^{۱۱} جلال الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، (تهران: سروش، ۱۳۶۸) جلد ششم، ص ۳۳۲

الف- کنفرانس بین المللی وحدت حقوق جزا سال ۱۹۳۵ میلادی در کپنهاک جرم سیاسی را اینگونه تعریف میکند :
جرایم سیاسی جرایمی است که علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت و همچنین حقوق ناشی از آن برای افراد ، ارتکاب
شود.^{۱۲}

لازم به ذکر است که در قطعنامه مصوب کپنهاک تصریح شده است که جرایمی که مرتکب آن هدف خودخواهانه و حقارت
آمیز داشته باشد ، سیاسی تلقی نمیشود.

ب- موسسه حقوق بین الملل در سال ۱۹۸۲ میلادی در ژنو در خصوص جرایم سیاسی این تصمیم را اتخاذ نموده
است که: جرایم بر ضد مبانی هر گونه تشکیلات اجتماعی که هدف آن یک کشور معین یا شکل خاص حکومت نباشد جرم
سیاسی به شمار نمی آیند.^{۱۳} که مفهوم مخالف آن چنین میباشد: چنانچه هدف مجرم ، کشور معین و یا شکل خاصی از
حکومت باشد جرم مورد نظر سیاسی خواهد بود.

اما علی رغم این تلاشها و ارائه تعاریف متعدد که توسط حقوقدانان بسیاری از کشورها صورت پذیرفته ، هنوز هیچ اجماع
و اتفاق نظری بر تعریفی واحد از این جرم وجود ندارد تا بدانجا که میتوان جرم سیاسی را در هر کشور در پرتو نظریه و
ایدئولوژی خاص آن کشورتبیین و تعریف نمود ولیکن علیرغم این عدم توافق در تعریف واحد در تمامی کشورها و در میان
تمامی نظریه ها، توافقی بر برخی از ویژگیها و سنجه های جرم سیاسی حاصل آمده که هر کشور برحسب ایدئولوژی
حکومتی اش در تعریف خاص خود از جرم سیاسی، از برخی از این معیار ها و سنجه ها بهره میبرد. در کشور ما ایران نیز
علی رغم وجود اصل ۱۶۸ قانون اساسی که در آن جرم سیاسی مورد اشاره قرار گرفته است و وظیفه تعریف آن نیز به
قانونگذار محول گشته هنوز قانون مدونی در این زمینه شکل نگرفته و لذا تنها چاره در معرفی این دسته از جرایم ذکر
همین ضوابط و سنجه های مورد اتفاق می باشد بنابر این در فصل حاضر که مفهوم و اوصاف جرم سیاسی نام دارد در طی دو
مبحث به بررسی مفهوم و اوصاف جرم سیاسی (مبحث یکم) و بررسی گستره این جرایم (مبحث دوم) میپردازیم

^{۱۲} محمد هاشمی ، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ، (تهران : دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۷۲) ، جلد دوم ، ص ۵۵۰

^{۱۳} نسرین ستوده ، «تعریف نامشخص جرم سیاسی» ، روزنامه جامعه ، شماره ۵۳ ، مورخ ۱۳۷۷/۳/۸ ، ص ۱۱

مبحث اول : مفهوم و اوصاف جرم سیاسی

گفتار یکم : ضوابط مورد اتفاق در شناسایی جرایم سیاسی

در تعیین جرم سیاسی و به منظور تمیز و تشخیص مصادیق آن از جرایم عادی معمولاً مبانی و ضوابط مشخصی نقش تعیین کننده دارند که بر اساس آنها تعریف جرم سیاسی نیز شکل میگیرد. در واقع در هر تعریفی که از جرم سیاسی مطرح میشود ملاکها و ضوابط بخصوصی در نظر گرفته میشود. سه ضابطه معروف و شناخته شده در این زمینه وجود دارد که یکی ضابطه عینی و دیگری ضابطه ذهنی و نهایتاً ضابطه مرکب یا جامع میباشد که معمولاً تعریف جرم سیاسی در هر کشور و بر پایه هر نظریه ای چه به شکل ماهوی و چه به شکل مصداقی، تابع مستقیمی از کاربرد هر یک از این سنجها و ضوابط متمایز می باشد. این ضوابط نیز هر کدام بر شکل و چگونگی یکی از عناصر تشکیل دهنده و لازمه جرم اعم از عنصر مادی و یا معنوی تکیه دارند این ضوابط عبارتند از :

- سنجه یا ضابطه عینی

در این ضابطه که به ضابطه خارجی، بیرونی و یا حتی موضوعی نیز معروف است عمده توجه و عنایت به اهداف عینی و مواضعی معطوف است که در اثر ارتکاب جرم متحمل آسیب، خسارت یا انهدام و نابودی میگردد. تحت این ضابطه باید بررسی گردد که جرم ارتكابی مفروض چه آسیبی را بر چه مواضعی وارد آورده است؟! اگر این آسیبها بطور مستقیم و یا غیر مستقیم بر دولت، حاکمیت یا عناصر و تشکیلات وابسته به آن ویا اشخاص و افراد مرتبط با آن وارد گردد جرم سیاسی محسوب میشود و در غیر این صورت جرم عادی است^{۱۴} در سیستم های حقوقی که بر این سنجه متمرکز میگردند به نیت وانگیزه مرتکب توجهی نمیشود بلکه معیار تعریف زبانی است که از سوی مجرم به دستگاه دولت و سازمانهای آن ویا طرز اداره حکومت وارد آمده است. مجرم سیاسی در واقع با عملیات و اقدامات خود حکومت را در هم میریزد و به نظم

^{۱۴} محمد رضا زینلی، جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی (مطالعه تطبیقی)، (تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۷۸)، ص ۴۰

موجود صدمه وارد می آورد.^{۱۵} برای نمونه در تعاریفی که از جرم سیاسی توسط لیت و گارو دو حقوقدان برجسته، در زیر آورده شده ضابطه عینی مورد نظر بوده است .

لیت میگوید : جرم سیاسی عمل قابل مجازاتی است که بر ضد حقوق سیاسی کشور و یا افراد صورت میپذیرد و

گارو جرم سیاسی را چنین تعریف میکند : جرم سیاسی جرمی است که موضوع آن تخریب یا تغییر و یا تزلزل یک یا چند عنصر از عناصر نظام سیاسی باشد .^{۱۶}

کما اینکه در قوانین کیفری ایتالیا نیز به موجب ماده ۸ قانون جزا در این کشور صراحتاً جرایم سیاسی آن دسته از جرایم دانسته شده که به طور عینی و موضوعی سبب وارد آمدن آسیب و صدماتی به دولت یا دستگاههای دولتی و یا منافع متعلق به آنها میگردد.^{۱۷}

اگر چه این ضابطه، ضابطه ای ملموس و واقع بینانه به نظر میرسد اما خالی از اشکالات و نقایص هم نمی باشد چرا که مسئله "آسیب به دولت" که مبنای این ضابطه قرار دارد مارا در تشخیص اینکه آسیب مربوطه واقعا به دولت وارد گردیده یا نه، دچار مشکل خواهد نمود چرا که این نظریه به این تعریف بسنده نموده و ابزار مطمئنی جهت تشخیص چنین مواردی پیشنهاد نمی نماید.

– ضابطه ذهنی

این ضابطه که توسط یکی از اساتید حقوق جزا ، ضابطه باطنی نامیده شده^{۱۸} و از طرفی به ضابطه درونی یا معنوی نیز معروف میباشد^{۱۹} مبتنی بر انگیزه و غرض نهایی مجرم از ارتکاب جرم واهدافی است که وی از انجام عمل مجرمانه و خلاف قانون خود مدنظر دارد. اصولاً یکی از مشخصه های مهم که وجه افتراق و اختلاف میان جرایم سیاسی و عادی محسوب میگردد همین تفاوت و دوگانگی در انگیزه و هدف مجرمین میباشد یعنی هرگاه مجرم به منظور سرنگونی دولت یا حکومت

^{۱۵} سید محمد اصغری ، پیشین ، ص ۳۵

^{۱۶} همان ، ص ۳۴

^{۱۷} محمد رضا زینلی ، پیشین ، ص ۴۲

^{۱۸} محمد علی معتمد ، **حقوق جزای عمومی** ، (تهران :انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۵۱) ، جلد اول ، ص ۳۱۳

^{۱۹} محمدرضا زینلی ، ، پیشین ، ص ۳۰

ویا به جهت ایراد آسیب هایی بر پیکره آن ویا به قصد حمله و تهاجم به تمامیت آن ویا به مقامات مسئول در نظام حاکم ویا به نهاد ها و تاسیسات و تشکیلات سیاسی ، اجتماعی و اداری دولت که در ارتباط با حاکمیت میباشد ، اقدام به انجام اعمالی بر خلاف قانون نماید اعمال وی به عنوان جرم سیاسی تلقی میگردد^{۲۰} باید توجه داشت معتقدین به این سیستم افرادی را که به حکومت وسازمانهای آن لطمه وارد میکنند ولی انگیزه آنها سیاسی نبوده بلکه اغراض شخصی یا خود پسندی و شهرت طلبی آنها موجب چنین اقدامات مجرمانه ای گشته است مجرم سیاسی نمی شناسند و بر عکس اگر انگیزه ، انگیزه ای سیاسی بوده ولی اقدامات مجرمان سیاسی تشکیلات حکومتی را با خطر مواجه نسازد جرم را جرم سیاسی تلقی مینمایند؛ و به همین دلیل معتقدین به این سیستم آنارشیبست ها و کمونیست ها را نیز مجرمان سیاسی محسوب مینمایند^{۲۱} اما ایرادی که به ضابطه یاد شده وارد است نیز به علت همین اختلاف جرایم عادی و سیاسی ، صرف انگیزه فرد مجرم می باشد که درک و تمیز این انگیزه نیز در اکثر مواقع ناممکن است و لذا بیشتر قانونگذاران جهان در پذیرش بدون قید و بند این نظریه تردید داشته اند کما اینکه قانونگذار ایران نیز در قسمت آخر ماده ۸ قانون استرداد مجرمان مصوب ۱۳۳۹ به دنبال همین دغدغه ها بیان داشته است که " سوء قصد به حیات افراد در هیچ مورد ، جرم سیاسی محسوب نخواهد شد"^{۲۲}

بنابر این ضابطه ذهنی نیز یکی دیگر از ضوابطی است که میتواند در تعریف جرم سیاسی مورد توجه و نظر قرار بگیرد کما اینکه در تعاریفی که توسط برخی از حقوق دانان بزرگ آمده است نیز مبنای تعریف همین ضابطه قرار دارد.

– ضابطه جامع یا مرکب

با وجود اعتباری بودن تعاریف و عناصر و پدیده ها در علم حقوق، واقعیت آن است که چنین امور اعتباری و قراردادی تا حدود زیادی از حقایق هستی و نظام موجود در جهان و واقعیات جاری در آن متاثر میباشند و لذا اینگونه نیست که جرم سیاسی و

^{۲۰} همان ، ص ۳۵

^{۲۱} سید محمد اصغری ، پیشین ، ص ۳۵

^{۲۲} محمد علی معتمد ، پیشین ، ص ۳۱۳

عادی دو اصطلاح کاملاً اختراعی و انتزاعی باشند بنابراین جرم سیاسی واقعی و ماهیتاً سیاسی با جرم عادی تفاوت‌هایی دارد که ضوابط تعیین کننده می‌بایست تا حد ممکن به این واقعیتهای پرداخته و آنها را لحاظ نماید^{۳۳} و لذا در پی بررسی دو ضابطه قبلی و دریافتن این مطلب که هر یک فقط به یکی از ارکان سازنده جرم که اعم از مادی و معنوی است بسنده نمود و این خود کاستی و نقص بزرگی می‌باشد بسیاری از اهل فن ترجیح داده اند که جهت تعیین جرم سیاسی به ضابطه ای جامع و فراگیر بپردازند که تمامی جنبه های مفید و موثر دو ضابطه قبلی را در برداشته باشد اگرچه با اعمال این ضابطه جدید که ترکیبی از دو ضابطه پیشینی می‌باشد و در آن هم به موضوع آسیب وهم به انگیزه مرتکب پرداخته شده، تعداد بسیاری از جرایمی که با اعمال هر یک از دو ضابطه قبلی جرم سیاسی پنداشته می‌شدند عملاً به جرگه جرایم عادی خواهند پیوست و گستره جرایم سیاسی بسیار محدود خواهد شد، لیکن این به خودی خود نه تنها امری نامطلوب نخواهد بود که به شناسایی جرایم سیاسی واقعی کمک مینماید تا جرایم به ظاهر سیاسی که نه تنها با برهم زدن نظم عمومی خسارات مادی فراوانی به اجتماع وارد می‌آورند که با تاثیر بر حس خیرخواهانه اجتماعات ضربات معنوی بسیاری نیز در پی خواهند داشت از گستره جرایم سیاسی واقعی خارج گردند. شایان ذکر است که این دسته از جرایم که حایز هر دو ضابطه درونی و بیرونی می‌باشند جرایم سیاسی خاص نامیده می‌شوند^{۳۴}.

گفتار دوم: اوصاف جرم سیاسی

از نکات برجسته نظام‌ها و دولت‌های نوین محدودیت قدرت توسعه روز افزون حقوق مردم است. که در این میان آزادی، برابری، و امنیت سرآمد اصولی میباشد که بشردوستان آنها را جزو حقوق مسلم مردم می‌دانند لذا در حال حاضر، امنیت قضایی نه تنها حاوی اصل برائت برای مردم می‌باشد که برای خطا کاران نیز، با توجه به شرایط خاص آنها حقوق توأم با گذشتی را قائل می‌باشد و در این میان جرایم سیاسی و مطبوعاتی از جمله مواردی به شمار می‌رود که در قانون اساسی بسیاری از کشورها و از جمله جمهوری اسلامی ایران حقوق مذکور نسبت به آنها اعمال می‌گردد اما دلیل و چرایی اعمال

^{۳۳} محمدرضا زینلی، پیشین، ص ۴۵

^{۳۴} سید محمد هاشمی، پیشین، ص ۵۴۰